

سلیمان لایق

پرورش عنعنه ملی در لندی های زنانه

در نظر زن پشتون شجاعت، غیرت، مقاومت در برابر دشمن، تحمل در برابر دواوری و حمایت از زن و ناتوانان صفات پختگی و کمال در مرد است. زن به تجربه دریافته است که در معیارهای «پشتونولی» عیار نشده است یعنی در حفظ یرزمین میثاق قبیله را رعایت نمیکند، پابند نوامیس پشتونولی نمی باشد، از عزت دروازه، گورستان و اجاق خود مواظبت نمیکند و به حمایت خون شریکان خود نمی پردازد، شایسته اعتماد نمی باشد.

تمایلات بالا در لندی های زنانه که طالب صفات عالی مردانگی از مرد میباشد سنگپایه پر و سه تکامل لندی به سوی شعر مبارز و حماسه میباشد. صفات و خصوصیتی را که لندی های زنانه در مرد میپسندد و مورد ستایش قرار میدهد، چون با منفعت و مصاحت جامعه قبایلی وفق دارد به تکامل و گسترش هر چه تمام تر لندی کمک میرساند. تمایل شاعرانه زن با سنن جوشیده در معیارهای بیکار جویانه قبائل پدیده تصادفی نیست بلکه سنتز منطقی مقاومت تاریخی قبیله با عواملی است که تمکن و استقرار آن را در محدوده معین جغرافیایی تهدید کرده است. در جریان تکوین و تکامل قبیله، خانواده و دولت پشتون هاهم بین خود

SPINTA

و هم با همسایگان و بیگانترها، پیکارها و جدال‌های داشته‌اند. تاریخ آنها چون تاریخ سایر جوامع، پیچیده و خونین است. اسپ، سلاح و مردان جنگی نقش برتر داشته‌اند. افراد قهرمان با سجایایی چون پیکار جویی، صلابت و جسارت، سخاوت و از خود گذری مشخص میشدند و مورد ستایش قرار می‌گرفتند. توالی و تداوم این عنعنه در لندی‌های زنانه از عرصه عام ستایش مرد به صفات پیکارجویانه و جنگاوری او روی آورده و تا مرز حماسه‌های ناب انکشاف کرده است.

په‌وینورنگ توره‌دی‌راوره

راشه‌په‌سرو شون‌دوی‌ی زه‌درپا کومه

شمشیر خون آلودت را بیادر

من آنرا بالبان گلگون خود پاک میکنم

توتیه‌توتیه‌په‌توروراشی

چی‌پرهرونه‌دی‌گندم‌خوله‌درکومه

بازخم‌های شمشیر نزد من بیایی

تا هنگام دوختن زخم‌ها بوسه بارانت کنم

چی‌تورپی‌و‌خپژی‌دپیره

ما‌په‌هم‌خولو‌پورپی‌دپر‌خندلی‌دینه

وقتی شمشیرها برهنه شود قدم پیش بگذار

من بر همسالان خود بسیار خندیده‌ام

SPINTEA

غاړه غړی به در قربان شم
که دې د جنگ په سنگرو کړل یرغلونه
ترا در آغوش کشیده قربانت شوم
اگر بر سنگر جنگ هجوم بردی
که په زلمو کې بریالی شوی
قسم می کړی دیاری لاس در کومه
اگر در میان جوانان پیروز شدی
قسم بخداوند است، دست رفقات بتو خواهم داد
که تورا وربل می میراثبری
په وطن جگدی ذانان نه منع کومه
اگر هم — موهایم میراث شود
از جنگ وطن دلدارم را مانع نمیشوم
در نبرد به خاطر دفاع از سرزمین و آزادی، سرایش لندی های
رزمی مه از سوی دوشیزگان و زنان بالبداهه و با آواز بلند شنوانده
میشود، اثر بزرگ بر رزمندگان می گذارد و بعضاً کار را یکطرفه میکند.
بر لوحه یادگاری کاخ شهیدان میوند لندی زیر رقم شده است:
که په میوند کی شهید نه شوی
خدا یر و لالیه بی ننگی ته دې ساتینه
اگر در میوند شیهید نشدی
بخداوند که برای شرمندگی حفظت میکنند

SPINTEA

این لندی را دوشیزه جوانی به نام «ملالی» که اکنون در جایگاه قهرمان ملی به تاریخ افغانها وارد شده است، در سال ۱۸۸۰ م، هنگام جنگ دست به دست افغانها با انگلیس در میدان میوند سروده و با آواز بلند به نبردگان خسته و نیمه جان خوانده بود. مورخان و واقعه نگاران گفته اند که برداشتن و افراشتن پرجم نگون شده از جانب ملالی و سرودن لندپ بالا، نقش قاطع در غلبه افغانها در جنگ میوند بازی کرده است. مثال های دیگر نیز از چنین لندی های رزمی وجود دارد.

زن پشتون در لندی از محبوب ایدیال خود معیارهای عالی مردانگی را طلب میکند. این تمایل جسته جسته در سراسر قلمرو ادبیات شفاهی پشتون ها خود را نشان میدهد. قهرمانان فلکلوری که نزدیک به اتفاق از میان مردان سر بر آورده اند، با ارائه خصوصیات عالی مردانگی، افسانه روزگار شده و سوار بر قایق اساطیر تا زمان ما رسیده اند.

سراینده لندی نسبت به هر زن دیگر سجایای مرد پشتون را خوبتر تشخیص میدهد و مطالبات زن را از وی گویاتر و زنده تر طرح میکند. لندی های زیرین و صدها لندی دیگر مبین خواست های چنین زن جشور از چنان مرد افسانویست :

تیراته ورشه بوری راوره

زما په سپینه خوله به وشي جنجالونه

به تیرا^(۱) برو تفنگ پنج تیر بیاور

جنجالهای بر دهان سپیدم برپا خواهد شد

SPINTEA

سپینی سپوژمی ته شه خوله واخله
د کلا سیوری ته می مه بیایه پارنه
در روشنی ماه بیا از ده نام بیوس
ترسو، مرا به سـایه قلعه مکش!
له تورو خنگ مکره جانانه
خوانان په سرو تورو ورخی نجز نه گتینه
از جنگ شمشیرها کنار مرو
جوانان با شمشیرهای خونین میرز مند و به دوشیزه هامیر سند
په چر چوبی کی مه پتپره
زلمی بناغلی هدیرو خوړلی دینه
در سردآبه خود را پننه ان مکن
جوانان جسور خوراک گورستانها شده اند
ریباره ورشه ورته وایه
که دبیدیوزور لری درسره خمه
خواستگار برو به او بگو
اگر از دشمنی ها برمی آیی حاضرم با تو فرار کنم
جانانه وینب یی که ویده یی
ستاله کوخې می لاس ترلی تپروینه
دلدارم یی داری یا در خوابی
مرا با دستهای بسته از کوی تو میگذرانند

SPINTA

سپینی چری درپسی را غلی

چی له یاری می توبه گلر نشی مینه

کاردهای ربهنه به تعقیبت آمدند

هشدار از عشق من رو گردان نشوی

سبامی ستا به تومت و ژنی

خای دراستی دی چی منکر نشی مینه

فردا مرا به اتهام عشق تو میکشند

جای راستی پیش آمده، انکار نکنی

عالمه راشی مخ می تور کری

ما د بی نگو یاری کره و شر مپدمه

ای مردم بیاید و روی مرا سیاه کنید

من با مردان بی غیرت یاری کردم، شرمنده شدم

نکارنده از مطالعه و تحقیق در لندی ها و تاریخ تطور اجتماعی

پشتون ها به چنین نتیجه گیری نزدیک شده ام که خواست دو امدار زن از

مرد در مورد پافشاری بر اصول و موازین مردانگی، راه را بسوی ظهور

حماسه در لندی باز کرده است، شاید تحقیق بیشتر در روان اجتماعی

قبائل درین مورد روشنی بیشتری به تشخیص سر چشمه های زایش

حماسه در لندی بیندازد.

۱- تیرا محلی است در جوار معبر تاریخی خیبر، معروف به تولید اسلحه.
